

## **An Analytical Assessment the Impact of Ownership-Management Political Connections and Monitoring Role of Auditors considering Reputation Incentives on Agency Costs from Interest Conflict**

**Mohammad Hassani\***

Assistant Professor in Accounting, Department of Accounting & Auditing, Faculty of Management, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

**Azadeh Salehi**

Master in Accounting, Faculty of Management, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

### **Abstract**

The main purpose of this research is analyzing the impact of political connections and auditor reputation on agency costs arise from interest conflict. Inverse criterion of asset efficiency is used as an index of agency costs. Also, governmental affiliation in either ownership structure or board structure is considered as a proxy of political connections. Research data consist of 1038 firm-year observations. Target sample includes 173 firms listed in Tehran Securities & Exchange over 6 years period during March 2013 to March 2018. Statistical analysis and research hypotheses investigated through multivariate regression models using panel data with fixed effect and generalized least squares method. According to the results of this research, political connection has meaningful and positive impact on agency costs. But, auditor reputation as one of the audit quality measures has meaningful and negative impact on agency costs. In addition, evidence showed that interaction between political connection and auditor reputation has meaningful and negative impact on agency costs. As a whole, because of the interest conflict between managers and stakeholders and so existence of agency problems, auditors by focusing on the reputation incentives have effective role in reduction the agency costs; but, political connected owners-managers by focusing on the political incentives have effective role in enhancement the agency costs. So, result of this research is useful to determine the effective factors on agency costs.

**Keywords:** Interest Conflict, Agency Costs, Political Connections, Auditor Reputation, Monitoring Hypothesis.

---

\*. m\_hassani@iau-tnb.ac.ir

پژوهش‌های حسابداری مالی  
سال دوازدهم، شماره سوم، پیاپی (۴۵)، پاییز ۱۳۹۹  
نوع مقاله: پژوهشی  
تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۱۰/۱۱  
تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۲/۰۳، ۱۳۹۹/۰۲/۱۷  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۰۶  
صص: ۲۲-۱

## ارزیابی تحلیلی آثار روابط سیاسی مالکیت - مدیریت و نظارت حساب‌رسان مبتنی بر انگیزه شهرت در کاهش هزینه‌های نمایندگی ناشی از تضاد منافع

محمد حسنی<sup>۱\*</sup>، آزاده صالحی<sup>\*\*</sup>

\* استادیار حسابداری، گروه تحصیلات تکمیلی حسابداری و حسابرسی، دانشکده مدیریت، واحد تهران شمال،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

m\_hassani@iau-tnb.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

axis\_as@yahoo.com

### چکیده

مقاله حاضر آثار روابط سیاسی مالکیت - مدیریت و تلاش نظارتی حساب‌رسان را طبق انگیزه شهرت بر هزینه‌های نمایندگی ناشی از تضاد منافع بررسی کرده است. در این پژوهش از عکس نسبت کارایی دارایی‌ها به‌عنوان شاخص هزینه‌های نمایندگی استفاده شده است. همچنین وجود ارتباطات دولتی در سطح ساختار مالکیت و ساختار هیئت مدیران شرکت‌ها ملاک ارزیابی روابط سیاسی در نظر گرفته شده است. داده‌های پژوهش ۱۰۳۸ مشاهده شرکت - سال است که مشتمل بر ۱۷۳ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۶ ساله از ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ است. تحلیل‌های آماری پژوهش با استفاده از الگوهای رگرسیون چندمتغیره طبق داده‌های ترکیبی با اثرات ثابت و روش کمینه مربعات تعمیم‌یافته انجام شده است. طبق یافته‌ها شواهد نشان دادند روابط سیاسی تأثیر معنی‌دار مثبتی بر هزینه‌های نمایندگی دارد؛ اما شهرت و رتبه کیفی حساب‌رسان تأثیر معنی‌دار منفی بر هزینه‌های نمایندگی دارد. تعامل روابط سیاسی و شهرت حساب‌رسان نیز بر هزینه‌های نمایندگی تأثیر معنی‌دار منفی دارد. به‌طورکلی با توجه به تضاد منافع بین مدیران و گروه‌های بهره‌ور و وجود مشکلات نمایندگی، حساب‌رسان با تمرکز بر انگیزه شهرت از تأثیر کاهنده و مالکان - مدیران دارای روابط سیاسی با تمرکز بر انگیزه منافع سیاسی از تأثیر افزایشدهنده بر هزینه‌های نمایندگی برخوردارند. نتایج پژوهش در شناسایی عوامل مؤثر بر هزینه‌های نمایندگی مفید است.

**واژه‌های کلیدی:** تضاد منافع، هزینه نمایندگی، روابط سیاسی، شهرت حساب‌رسان، فرضیه نظارت.

## مقدمه

با جدایی مالکیت و مدیریت و شکل‌گیری رابطه نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران و سهام‌داران سبب ایجاد مشکل نمایندگی می‌شود [۵۴]؛ در نتیجه این امکان به وجود می‌آید مدیران تصمیماتی اتخاذ کنند که در راستای منافع آنان و عکس منافع سهام‌داران باشد. در برخی مطالعات، هنگام ارزیابی هزینه‌های نمایندگی، جایگاه و میزان تأثیر روابط سیاسی شرکت‌ها در بروز این هزینه‌ها بررسی شده است. افزایش مدیران در رأس شرکت‌ها با ارتباطات سیاسی در محیط اقتصادی و تأثیر ارتباطات سیاسی بر سازمان‌ها، توجه پژوهش‌ها را در جهان به خود جلب کرده است. در برخی پژوهش‌های قبلی تأثیر ارتباطات سیاسی، عامل مهم در زمینه هزینه‌های نمایندگی مطرح شده است [۲۰]. قرارگرفتن در رأس یک اداره عمومی، ابزار مؤثری برای ایجاد تأثیر زیاد روی مالکان کسب و کارهای بزرگ است که موفقیت-شان بستگی زیادی به روابط سیاسی دارد [۳۰]. در این مواقع، برخی مشوق‌های مدیریتی مانند مدیریت سود از عوامل افزایش هزینه‌های نمایندگی است و این سبب افزایش احتمال استفاده از حسابرسان باکیفیت می‌شود. از آنجاکه هزینه‌های نمایندگی ممکن است از طریق ارتباط آن با روابط سیاسی بر شرکت تأثیر بگذارد، در پژوهش حاضر تأثیر روابط سیاسی بر هزینه‌های نمایندگی شرکت‌ها بررسی شد. از طرفی، به‌کارگیری حسابرسان مشهور باکیفیت برای حسابرسی شرکت‌ها هزینه‌های نمایندگی شرکت‌ها را کاهش می‌دهد. برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند مؤسسات حسابرسی بزرگ و متخصص برای حفظ اعتبار و شهرت تلاش بیشتری انجام می‌دهند؛ بنابراین با افزایش کیفیت حسابرسی و بالارفتن شهرت حسابرس، انتظار می‌رود احتمال جلوگیری از مدیریت سود و گزارشگری متقلبانانه افزایش یابد و

شفافیت گزارش‌های مالی بهبود یابد [۷۳]. همچنین طبق نتایج برخی مطالعات، شرکت‌هایی که از حسابرس بزرگ استفاده کرده‌اند، هزینه نمایندگی کمتری داشته‌اند [۲۰]؛ از این رو در بخش دیگر این پژوهش تأثیر شهرت حسابرس بر هزینه نمایندگی شرکت‌ها بررسی شد. در ادامه مقاله، بخش‌های مبانی نظری، پیشینه‌های مطالعات داخلی و خارجی، فرضیه‌ها، روش‌شناسی، الگوها و متغیرها، تحلیل‌ها، یافته‌ها و در نهایت بحث و نتیجه‌گیری پژوهش ارائه شده‌اند. باید گفت حیطه موضوعی مقاله از این جنبه با سایر مطالعات داخلی تمایز دارد که در حوزه ارتباط بین هزینه‌های نمایندگی و روابط سیاسی به‌ویژه با تمرکز بر ساختار مالکیت و ساختار هیئت مدیران، پژوهش خاصی زمان انجام پژوهش حاضر مشاهده نشد. همچنین بررسی اثر سازوکار نظارتی حسابرس مستقل از بعد شهرت کیفی حسابرس بر رابطه بین هزینه‌های نمایندگی و روابط سیاسی از نکات دیگر متمایز مقاله است و بررسی این موضوع با توجه به ساختار نظام اقتصادی مبتنی بر روابط سیاسی دولتی در ایران اهمیت دارد.

## مبانی و پیشینه نظری پژوهش

رابطه نمایندگی، قراردادی است که طبق آن مالک، نماینده را از جانب خود منصوب و اختیار تصمیم‌گیری را به او تفویض می‌کند؛ در عین حال، وجود انگیزه‌های متفاوت و گاهی متضاد بین سهام‌داران و مدیریت سبب ایجاد مشکلاتی مانند تضاد منافع، عدم تقارن اطلاعات، انتخاب نامطلوب، خطر اخلاقی و نبود اطمینان می‌شود و این مسائل به وقوع هزینه‌های نمایندگی می‌انجامد. هزینه‌های نمایندگی شامل هزینه‌های نظارت و کنترل مالک روی مدیر، هزینه‌های التزام و زیان باقی‌مانده است [۵۹]. هزینه‌های نظارت مالکان بر روی مدیر از طریق

طرح پاداش، اختیار خرید سهام و استفاده از خدمات حسابرسان مستقل انجام می‌گیرد. هزینه‌های التزام مربوط به ساختار سازمانی است؛ به گونه‌ای که رفتار نامطلوب مدیریت را محدود کرد. زیان باقی مانده تفاوت عملیات واقعی مدیر و عملیات مورد انتظار وی است که به دنبال کردن منافع شخصی مربوط است. زیان باقی مانده باعث کاهش رفاه سهام‌داران می‌شود. ارزیابی هزینه‌های نمایندگی از مشکلات این حوزه است و برخی پژوهشگران از نسبت‌های کارایی به‌عنوان نماد هزینه‌های نمایندگی استفاده کرده‌اند [۷۶، ۶۸، ۵۳، ۱۸]. وقوع هزینه نمایندگی با پیامدهایی همراه است؛ از جمله اینکه بین هزینه نمایندگی جریان نقد آزاد و قیمت‌گذاری نادرست سهام، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد [۱۳].

یکی از موضوعاتی که در سال‌های اخیر به ارتباط آن با هزینه‌های نمایندگی توجه شده است، بحث روابط سیاسی شرکت‌ها است [۲۰]. تأثیر ارتباطات سیاسی بر سازمان‌های تجاری، توجه پژوهش‌هایی را در سطح جهان به خود جلب کرده است؛ موضوعی که با افزایش مدیران و رؤسای دارای ارتباطات سیاسی در رأس شرکت‌های مختلف در اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال ظهور منطبق است [۴۳]. مدیران با ارتباط سیاسی از قدرت سیاسی خود برای تقویت جایگاه‌شان و تأثیر بر نتایج شرکت استفاده می‌کنند. مطالعات قبلی، تأثیر ارتباطات سیاسی را بر ارزش شرکت [۵۲]، دسترسی به منابع مالی [۳۳]، مالیات [۱۶]، هزینه بدهی و سرمایه [۲۷، ۲۵] و کیفیت گزارشگری مالی [۳۲] بررسی کرده‌اند. این مطالعات نشان داده‌اند یکی از عوامل بااهمیت و شایان توجه، نفوذ سیاسی مدیران و مالکان بنگاه‌های اقتصادی در محافل سیاسی و روابط آنها با کانون‌های قدرت سیاسی است [۴۵، ۳۲، ۱۹]. روابط و نفوذ سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی بنگاه‌های اقتصادی

تأثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را در ارتباط با گزارشگری مالی در تأثیر قرار می‌دهد. واحدهای تجاری تمایل زیادی به برقراری ارتباط نزدیک با دولت دارند؛ زیرا این روابط منافع زیادی نظیر امتیاز دسترسی به بازار، تخفیف‌های مالیاتی، دسترسی آسان به اعتبارات، یارانه‌های دولتی، بستن قراردادهای سودآور، کاهش تعرفه گمرکی و ... برای آنها در پی خواهد داشت. در عوض واحدهای تجاری مرتبط ممکن است منافع به‌دست آمده ناشی از این روابط را با دولت تسهیم کنند. این نوع بافت اقتصادی در سطح جامعه، اقتصاد مبتنی بر رابطه نامیده می‌شود. در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر روابط، ارتباطات سیاسی، منبع مهم ارزش برای شرکت‌های دارای روابط است. در عین حال در برخی کشورها، نظام اقتصادی مبتنی بر روابط از طریق الزامات قانونی ضعیف و نبود شفافیت شناخته می‌شوند. عایدات شرکت‌های با روابط سیاسی به‌طور گسترده در تأثیر تصمیمات دولتی قرار دارد که به علایق آنها توجه می‌کند [۵۲]. در شرکت‌های با روابط سیاسی دسترسی به منابع سرمایه بستگی زیادی به سود گزارش شده ندارد؛ زیرا روابط سیاسی سبب دسترسی آسان به اعتبار و منابع سرمایه از بانک‌های در تملک دولت می‌گردد [۶۲، ۴۲، ۳۶]. [۲۷]. در ایران روابط سیاسی ابعاد پرنرنگی دارد؛ سیاسی بودن مدیران و مالکان بیشتر شرکت‌ها به دلیل دولتی بودن شرکت‌ها و صنایع بزرگ تأثیرگذار بر نظام اقتصادی حاکم بر کشور است. این موضوع در نهایت باعث ایجاد تفاوت‌های چشم‌گیر در سیاست‌های مالی و کیفیت اطلاعات شرکت‌های دارای روابط سیاسی در مقایسه با شرکت‌های بدون روابط سیاسی شده است. شواهدی نشان داده‌اند ارتباطات سیاسی در ایران بر بدهی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، نسبت کل بدهی‌ها و هزینه بدهی تأثیر مثبت دارد؛ اما بر رتبه اعتباری شرکت‌ها تأثیر منفی

دارد [۹]. همچنین ارتباطات سیاسی بر رابطه نرخ گردش سهام و محدودیت مالی، مؤثر شناسایی شده است؛ اما بر رابطه عدم تقارن اطلاعاتی و محدودیت مالی تأثیر نداشته است [۱].

در برخی مطالعات شواهدی از منافع روابط سیاسی در شرکت‌ها [۲۵، ۳۶، ۴۷] و در برخی دیگر شواهدی از مخارج روابط سیاسی در شرکت‌ها تأیید شده است [۶۰، ۶۹، ۴۶]. روابط سیاسی ممکن است از دو جهت مثبت و منفی شرکت را در تأثیر قرار دهد. شواهد متناقضی در خصوص پیامدهای مثبت و منفی روابط سیاسی در مطالعات تجربی مشاهده شده است [۸۱، ۶۹، ۶۲، ۶۱، ۵۲، ۵۰، ۴۹، ۴۷، ۴۵، ۳۴، ۲۶، ۲۴، ۲۳]. برخی مطالعات به منافع روابط سیاسی اشاره کرده‌اند؛ از جمله دسترسی آسان‌تر به منابع مالی، وام‌های بانکی و بودجه‌هایی با شرایط مناسب، افزایش اعتماد به نفس در نظام حقوقی، احتمال بالای نجات از توقیف، افزایش ارزش سهام و هزینه سرمایه کمتر، ریسک کمتر، قدرت بازار بیشتر، عملکرد بهتر در بازار سرمایه و امتیازهای معامله از قبیل اولویت در قراردادهای دولتی. از طرفی ارتباطات سیاسی ممکن است تأثیر منفی بر شرکت داشته باشد؛ از جمله اطلاعات حسابداری با کیفیت پایین‌تر، انتخاب مدیران و اعضای هیئت مدیران با صلاحیت‌های پایین، کاهش عملکرد شرکت به دلیل کاهش انگیزه‌های مدیریتی یا ناکارآمدی، رانتهای اقتصادی ویژه و معافیت در برابر قوانین و مقررات معین، کارایی کمتر، فرصت‌های رشد کمتر و هزینه بدهی بالاتر [۶۹، ۶۲، ۴۶، ۳۸، ۲۸، ۲۷]. برخی شواهد نشان داده‌اند در بازارهای با محیط قانونی ضعیف، مدیران برای دستیابی به اهداف و منافع شخصی و با هزینه سهام‌داران اقلیت، از روابط سیاسی بهره می‌برند [۴۵]. طبق این وضعیت پیش‌بینی می‌شود شرکت‌های با روابط سیاسی، هزینه نمایندگی بالاتری داشته باشند

[۲۰]. از سوی دیگر به دلیل منافع روابط سیاسی ممکن است شرکت‌های دارای روابط سیاسی، هزینه‌های نمایندگی کمتری داشته باشند.

وجود تضاد منافع بین سهام‌داران و مدیران شاید به مشکلات نمایندگی و تحمل هزینه منتهی شود. هزینه نمایندگی به دلیل تفکیک مالکیت از مدیریت افزایش می‌یابد. در این شرایط وجود سازوکار نظارتی که به صورت نسبی تضمین‌کننده شفافیت اطلاعات گزارش‌شده مالی باشد، ضرورت می‌یابد. طبق مطالعات نظری برخی سازوکارهای راهبری شرکتی وجود دارند که باعث کاهش هزینه نمایندگی می‌شوند [۷۶، ۷۰، ۵۳، ۳۵، ۱۸]. در برخی مطالعات نقش حسابرس و کیفیت حسابرسی، عاملی برای کاهش مشکلات نمایندگی ارزیابی شده است. دلیل اصلی تقاضا برای خدمات حسابرسی به‌عنوان یک ابزار نظارتی، تضاد منافع موجود بین مالکان و مدیران شرکت‌ها به نظر می‌رسد. پیامد تضاد منافع بین مدیران و سایر گروه‌های بهره‌ور، تحمل هزینه‌های نمایندگی است که افراد بهره‌ور برای هم‌سو کردن منافع دیگران با خود یا کمینه‌سازی آثار ناشی از تضاد منافع تقبل می‌کنند. مدیران با داشتن اختیار عملی که سایر بهره‌وران به آنها می‌دهند، در کانون تضاد منافع قرار دارند و تلاش می‌کنند از طریق ارائه اطلاعات مالی شرکت، هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهند؛ اما به دلیل برخی نشانه‌های تضاد منافع، اطلاعات ارائه‌شده مدیریت شاید معیار مناسبی برای نظارت بر عملکرد او برای کسب منافع دیگران نباشد. این موضوع مستلزم نیاز به نظارت حسابرس مستقل است. به‌طور کلی، فرضیه‌های نیاز به حسابرسی عبارت از فرضیه‌های نمایندگی، علامت‌دهی و اعتباربخشی (بیمه) هستند [۷۱]. حسابرسی مستقل تأثیر زیادی در بهبود کیفیت گزارشگری مالی دارد و یکی از فعالیت‌های اساسی برای حفظ منافع عمومی

رتبه کیفی و اندازه مؤسسه حسابرسی رابطه دارد. بدین معنا که مؤسسه‌های حسابرسی مشهور و بزرگ از کیفیت حسابرسی بالاتری برخوردارند و در کشف تحریف‌های بااهمیت، تواناتر هستند [۵۸]. مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ، خدمات حسابرسی با کیفیت بهتری ارائه می‌کنند؛ زیرا علاقمندند شهرت بیشتری در بازار به دست آورند و چون تعداد صاحب‌کارانشان زیاد است، نگران از دست دادن آنها نیستند و وابستگی کمتری به آنها دارند. تفاوت اثربخشی مؤسسات حسابرسی بزرگ و کوچک از تضاد انگیزه مدیران شرکت‌ها و حسابرسان در گزارشگری نشأت می‌گیرد. هزینه‌های ارزیابی کیفیت سبب می‌شود حسابرسان در یکنواخت کردن سطح کیفیت متخصص شوند؛ در نتیجه مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ در واکنش به هزینه‌های ارزیابی و هزینه‌های کاهش استقلال ایجاد شدند [۴۰]. کیفیت حسابرسی پیرو تعداد رویه‌های حسابرسی انجام شده و تعداد حسابرسان است و مؤسسات حسابرسی بزرگ به‌طور واضح منابع بیشتری را برای هدایت آزمون‌های حسابرسی دارند. به‌هر حال، به‌کارگیری منابع برای بهبود کیفیت حسابرسی از قابلیت استفاده منابع مهم‌تر است. ادبیات حوزه حسابرسی بیشتر بر دو جنبه اساسی کیفیت حسابرسی متمرکز شده است که شامل انگیزه‌های دادخواهی و انگیزه‌های شهرت هستند [۷۷]. انگیزه‌های دادخواهی عامل محرکی در برانگیختن تمایل حسابرسان به انجام حسابرسی باکیفیت برای جلوگیری از هزینه‌های مرتبط با دعاوی حقوقی است [۴۱]؛ اما انگیزه شهرت سبب حفاظت حسابرسان در مقابل زیان‌های جاری و آتی می‌شود [۶۳، ۶۷]. باین حال در غیاب انگیزه دادخواهی، حسابرسان از انگیزه زیادی برای حفظ شهرت خود در راستای ارائه حسابرسی باکیفیت برخوردار هستند [۳۷]. حسابرسان مشهور و دارای نام تجاری نسبت به

است. حسابرسی مستقل سازوکار نظارتی است و از کنترل‌هایی است که اطمینان معقولی را به گروه‌های بهره‌ور ارائه می‌دهد. طبق مبانی نظری نمایندگی، با افزایش تعارضات نمایندگی، تمایل واحدهای اقتصادی به انتخاب مؤسسات حسابرسی مستقل افزایش می‌یابد [۴۸]. حسابرسی از طریق اجرای سازوکار حرفه‌ای، تأمین‌کننده منافع عمومی است. منافع اقتصادی در حسابرسی از طریق کیفیت حسابرس تأمین می‌شود که از انعقاد قرارداد با صاحب‌کاران، عاید مؤسسه حسابرسی می‌شود. حسابرسان برای برآورد کیفیت حسابرسی از عوامل زیادی استفاده می‌کنند که بیشتر توصیفی هستند. پژوهش‌های زیادی در این باره انجام شده که طی آن بسیاری از این عوامل شناسایی قرار شده‌اند. عوامل توصیفی که در بیشتر مطالعات به آن توجه شده است شامل ریسک، حجم و پیچیدگی‌های واحد رسیدگی شده است [۷۵]. پژوهش‌های انجام شده در این زمینه در کشورهای مختلف سعی داشته‌اند عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی را بررسی کنند که مفاهیم مختلفی نیز در این خصوص شناسایی شده‌اند. کیفیت حسابرسی عبارت از توانایی حسابرس در کاهش پارازیت، سوءگیری و بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری است [۸۰]. حسابرسان کاهش هزینه نمایندگی را بر عهده دارند [۸۲]. طبق نظریه نمایندگی، خدمات حسابرسی باید مشکلات نمایندگی را کاهش دهند که موجب رشد تضاد منافع بین سهام‌داران، دارندگان اوراق بدهی و مدیران می‌شوند [۵۹]. دی‌آنجلو کیفیت حسابرسی را چنین تعریف کرده است: ارزیابی بازار از احتمال اینکه صورت‌های مالی دربردارنده تحریف‌های بااهمیت است و حسابرس این تحریف‌ها را کشف و گزارش کند [۴۰]. مطالعات انجام شده در زمینه کیفیت حسابرسی نشان داده‌اند کیفیت حسابرسی با شهرت،

سایر حساب‌برسان توانایی نظارت بیشتر دارند. وقتی حساب‌برسان با کیفیت‌تر انتخاب می‌شوند، مدیران توانایی کمتری برای دستکاری سود برای دستیابی به اهداف سود پیش‌بینی‌شده دارند و این موضوع ممکن است مسائل نمایندگی را در تأثیر قرار دهد [۳۹]. طبق برخی مطالعات، کیفیت حسابرسی تأثیر منفی بر هزینه‌های نمایندگی دارد [۷۰]. همچنین شرکت‌هایی که از حضور حساب‌برسان بزرگ بهره برده‌اند، هزینه نمایندگی کمتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند [۲۰].

با توجه به مطالب گفته‌شده، این پژوهش تأثیر سازوکارهای روابط سیاسی و شهرت حسابرس را در کاهش هزینه‌های نمایندگی ناشی از تضاد منافع بررسی می‌کند.

### پیشینه تجربی مطالعات داخلی و خارجی

جنت‌مکان و همکاران دریافتند شرکت‌های با مالکیت نهادی وابسته به دولت ارتباط منفی با هزینه نمایندگی دارند. اما نتایج بیانگر نبود ارتباط بین شرکت‌های با مالکیت دولتی و هزینه‌های نمایندگی است [۴]. نوروزی و همکاران دریافتند خوانایی گزارشگری مالی سبب کاهش هزینه نمایندگی شرکت می‌شود. به‌علاوه، توانایی مدیریت، رابطه منفی بین خوانایی گزارشگری مالی و هزینه نمایندگی شرکت را تعدیل و تضعیف می‌کند [۱۲]. فغانی و پهلوان دریافتند بین کیفیت کنترل داخلی و مدیریت سود در شرایط نبود هزینه‌های نمایندگی رابطه عکس وجود دارد؛ این ارتباط در شرایط وجود هزینه نمایندگی تشدید می‌شود [۱۰]. ولی‌زاده لاریجانی و همکاران دریافتند بین افشای گزارش کنترل داخلی و مدیریت سود با هزینه‌های نمایندگی رابطه وجود ندارد [۱۵]. کر‌مشاهی نشان داد با افزایش کیفیت حسابرسی، هزینه نمایندگی و محافظه‌کاری افزایش

می‌یابد اما مدیریت سود کاهش پیدا می‌کند [۱۱]. حیدری و همکاران دریافتند با افزایش کیفیت خدمات حسابرسی، تعارضات نشأت‌گرفته از تفکیک مالکیت از مدیریت، شامل هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد. همچنین افزایش هزینه‌های نمایندگی با افزایش سطح عدم تقارن اطلاعاتی همراه است [۵]. جمالی و کرمی دریافتند با افزایش تمرکز مالکیت، هزینه نمایندگی کاهش یافته و با کاهش هزینه نمایندگی، دستمزد حسابرسی و احتمال انتخاب حسابرس بزرگ کاهش می‌یابد [۳]. حیدری و همکاران دریافتند هزینه‌های سیاسی از طریق حضور سیاستمداران در هیئت مدیران شرکت‌ها سبب تضعیف راهبری شرکتی و کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود [۶]. بیرامی و رستمی دریافتند اندازه، دوره تصدی و تخصص صنعت حسابرس بر هزینه نمایندگی تأثیر دارند [۲]. نیکومرام و همکاران دریافتند بین نشانه‌های مدیریت سیاسی شرکت شامل وجود اعضای هیئت مدیران وابسته به دولت، مجلس، نهادهای سیاسی و یا وجود سهام‌دار عمده دولتی و شبه‌دولتی در ساختار مالکیت شرکت با مدیریت سود رابطه مستقیم وجود دارد [۱۴]. خددامی‌پور و همکاران دریافتند افزایش هزینه‌های نمایندگی با کاهش کیفیت حسابرسی همراه است. در ضمن رابطه منفی بین عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت حسابرسی وجود دارد [۷]. دیدار و همکاران دریافتند کیفیت حسابرسی نقش میانجی بر رابطه کیفیت گزارشگری مالی و مشکل نمایندگی ندارد، اما نتایج معادلات ساختاری این موضوع را تأیید کرد [۸]. همان‌گونه که در پیشینه‌های ذکرشده مشاهده می‌شود، با وجود اهمیت موضوع روابط سیاسی با توجه به ساختار نظام اقتصادی مبتنی بر روابط سیاسی دولتی در شرکت‌های ایرانی، ارتباط بین هزینه‌های نمایندگی و روابط سیاسی به‌ویژه با

تمرکز بر ساختار مالکیت و هیئت مدیران بررسی نشده است. ضمن اینکه هرچند در پژوهش‌های محدودی ارتباط بین کیفیت حسابرسی با هزینه‌های نمایندگی بررسی شده است، اما بررسی اثر تعدیلی سازوکار نظارتی حسابرس مستقل از بعد شهرت کیفی بر رابطه بین هزینه‌های نمایندگی و روابط سیاسی که ممکن است سبب تقویت یا تضعیف این رابطه شود، در مطالعات بررسی نشده و این موضوع از نکات متمایز این مقاله است.

آکوی و رامادان دریافتند اندازه و بزرگی حسابرس و تخصص حسابرس در صنعت سبب کاهش هزینه‌های نمایندگی می‌شوند [۱۷]. اوتامانینگسی دریافت شرکت‌های با روابط سیاسی تمایل دارند حسابرسان غیربزرگ برای حسابرسی خود برگزینند و دستمزد بیشتر به حسابرسان خود پرداخت می‌کنند. همچنین شرکت‌های دارای روابط سیاسی، تأخیر بیشتری در گزارش حسابرسان خود دارند. اوسو و ویر دریافتند کیفیت حسابرسی مستقل تأثیر منفی بر هزینه‌های نمایندگی دارد [۷۰]. اوسو و ویر دریافتند کیفیت حسابرسی مستقل تأثیر منفی بر هزینه‌های نمایندگی دارد [۷۰]. الکلش دریافت هزینه‌های نمایندگی تأثیر معنی‌دار منفی بر ریسک راهبری شرکتی در کشورهای مختلف دارد. درعین حال، با توجه به مناطق مختلف جغرافیایی و نوع صنایع، رابطه بین ریسک راهبری شرکتی و هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌های غیرمالی در مقایسه با شرکت‌های مالی مشهودتر است [۴۴]. حبیب و همکاران دریافتند معامله با اشخاص وابسته انگیزه‌ای است در شرکت‌های با روابط سیاسی که از حسابرسان غیربزرگ برای حسابرسی استفاده کنند [۵۷]. لیو و همکاران دریافتند در شرکت‌های با ارتباطات سیاسی ضعیف، احتمال به‌کارگیری

حسابرسان با کیفیت بالا افزایش می‌یابد؛ اما احتمال به‌کارگیری حسابرسان با کیفیت بالا در شرکت‌های با ارتباطات سیاسی قوی، کاهش می‌یابد. همچنین رابطه معکوس یو شکل بین ارتباطات سیاسی و شفافیت اطلاعات شرکت‌ها برقرار است [۶۶]. بروکس استدلال کرد شرکت‌های با روابط سیاسی برای کاهش هزینه‌های نمایندگی، تقاضای بیشتری برای استفاده از حسابرسان متخصص صنعت دارند [۲۹]. آریفور و همکاران نشان دادند شرکت‌های با ارتباطات سیاسی، از هزینه‌های نمایندگی بیشتری برخوردارند. همچنین شرکت‌هایی که از حسابرس بزرگ استفاده کرده‌اند، هزینه‌های نمایندگی کمتری دارند. یافته‌ها بیانگر این است که به‌کارگیری حسابرس بزرگ سبب تعدیل رابطه بین ارتباطات سیاسی و هزینه‌های نمایندگی می‌شود [۲۰]. کوان و همکاران دریافتند زمان وجود هزینه نمایندگی، رابطه مثبت بین راهبری شرکتی و کیفیت حسابرسی وجود دارد. همچنین هزینه‌های نمایندگی سبب تضعیف رابطه راهبری شرکتی و محافظه‌کاری می‌شود [۶۴]. گدحامی و همکاران دریافتند شرکت‌های با روابط سیاسی، تمایل بیشتری به استفاده از حسابرسان بزرگ دارند. همچنین در شرکت‌هایی که طبق ساختار مالکیتی، افراد درون‌سازمانی با هزینه سهام‌داران اقلیت به منافی دست پیدا می‌کنند، بین روابط سیاسی و حضور حسابرس بزرگ ارتباط قوی وجود دارد. در شرکت‌های فعال در کشورهایی با محیط نهادی ضعیف، بین روابط سیاسی و حضور حسابرس بزرگ ارتباط قوی وجود دارد. به‌علاوه شرکت‌های دارای روابط سیاسی که از حسابرسان بزرگ بهره گرفته‌اند، مدیریت سود کمتر، شفافیت اطلاعات و ارزش بیشتری دارند و به منابع تأمین مالی ارزان‌تر دسترسی دارند [۵۵]. سربیندهی و همکاران دریافتند شرکت‌های دارای



روابط سیاسی با حساب‌برسان بزرگ و با کیفیت بالا، کمتر قرارداد حسابرسی امضا کرده و نسبت به شرکت‌های بدون روابط سیاسی مشابه، زیان را به‌موقع شناسایی نکرده‌اند. این شرکت‌ها اقلام تعهدی اختیاری بیشتری دارند و از شفافیت کمتری برخوردار هستند. شرکت‌هایی که به‌تازگی روابط سیاسی برقرار کرده‌اند، تمایل بیشتری برای تغییر به مؤسسه حسابرسی کوچک نسبت به شرکت‌های بدون روابط سیاسی دارند [۷۸]. چانی و همکاران نشان دادند کیفیت اقلام تعهدی شرکت‌های با روابط سیاسی کمتر از شرکت‌های بدون روابط سیاسی است. همچنین ایجاد روابط با کانون‌های سیاسی قوی‌تر، همبستگی کمتری با کیفیت اقلام تعهدی دارد [۳۲].

فیرث و همکاران دریافتند مالکیت دولتی و نهادی بر هزینه‌های نمایندگی تأثیری ندارند [۵۱]. گول دریافت در شرکت‌های با روابط سیاسی در شرایط بحران مالی در مقایسه با شرکت‌های بدون روابط سیاسی، تلاش حسابرس و دستمزد حسابرسی افزایش یافته است؛ اما وقتی شرکت‌های با روابط سیاسی از حمایت دولت در تأمین منابع مالی برای برون‌رفت از وضعیت بحرانی برخوردارند، دستمزد حسابرسی کاهش یافته است [۵۶]. فان و وانگ دریافتند وقتی ساختار مالکیت متضمن هزینه‌های نمایندگی است، تمایل به خدمت گرفتن حسابرس بزرگ بیشتر است. همچنین در شرکت‌های مواجهه با هزینه نمایندگی، دستمزد حساب‌برسان بزرگ بیشتر است [۴۸].

### فرضیه‌های پژوهش

با توجه به تضاد منافع بین مدیران و گروه‌های بهره‌ور به‌ویژه سهام‌داران و رخدادهای هزینه‌های نمایندگی، بررسی عوامل مؤثر بر آن اهمیت دارد. در برخی مطالعات به اثر جنبه‌های راهبردی شرکتی و

روابط سیاسی بر هزینه‌های نمایندگی توجه شده است. در برخی پژوهش‌ها استدلال شده که روابط سیاسی ممکن است ارزش شرکت را با اختلال روبه‌رو کند [۸۱، ۴۹، ۴۷، ۳۴، ۲۶، ۲۴]. در این مواقع انتظار می‌رود از طریق کاهش ارزش شرکت ناشی از روابط سیاسی، هزینه‌های نمایندگی افزایش یابد [۲۰]. از طرفی، بنابه یافته برخی پژوهش‌ها، روابط سیاسی سبب افزایش ارزش و عملکرد مالی شرکت می‌شود [۶۹، ۶۲، ۵۰، ۴۵، ۲۳]. در این زمان انتظار می‌رود از طریق افزایش ارزش شرکت ناشی از روابط سیاسی، هزینه نمایندگی کاهش یابد. با توجه به وجود شواهد متناقض در حوزه منافع و مخارج روابط سیاسی، فرضیه اول پژوهش به شرح ذیل است:

فرضیه اول: روابط سیاسی مالکیت و مدیریت بر هزینه‌های نمایندگی ناشی از تضاد منافع تأثیر معنی‌داری دارد.

از طرفی در مواجهه با مشکلات ناشی از نظریه نمایندگی، سازوکارهای مختلف نظارتی در حوزه راهبری شرکتی برای هم‌راستاکردن منافع مدیران و سهام‌داران و کاهش تضاد منافع در پی رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران در نظر گرفته شده‌اند [۷۶، ۷۲، ۶۸، ۵۴، ۳۵، ۱۸]. حسابرسی از نیروهای بیرونی راهبری شرکتی است که سبب کاهش تضاد نمایندگی و کاهش احتمال بروز عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران می‌شود. حسابرسی سازوکار حیاتی در شرکت‌ها برای شناسایی منافع مدیران در ارتباط با تأمین‌کنندگان منابع مالی و روش بازدارنده برای مدیران در زمینه کاهش هزینه‌های نمایندگی ناشی از دست‌کاری سود است [۵۹]. طبق نتایج برخی مطالعات، کیفیت حسابرسی نقش مؤثری در کاهش هزینه‌های نمایندگی داشته‌اند؛ در این زمینه

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش طبق هدف، از نوع کاربردی و طرح پژوهش، توصیفی است. اجرای پژوهش مبتنی بر الگوهای رگرسیون چندمتغیره است. پژوهش با توجه به استنباط نظری برای استخراج فرضیه‌ها مبتنی بر استدلال قیاسی و در حوزه آزمون‌ها و تعمیم نتایج تجربی به جامعه آماری مبتنی بر استدلال استقرایی است. مبانی و پیشینه نظری از نشریات علمی در دسترس از طریق پایگاه‌های اینترنتی یا مراجع کتابخانه‌ای گردآوری شدند. داده‌های مورد نیاز شرکت‌ها از طریق نرم‌افزار ره‌آورد نوین و سایت کدال گردآوری شده‌اند. برای پردازش، دسته‌بندی و آماده‌کردن متغیرها از نرم‌افزار اکسل و برای بررسی‌های آماری از نرم‌افزار ای‌ویوز استفاده شده است.

### جامعه آماری پژوهش و شیوه گزینش شرکت‌ها

جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ است. از این شرکت‌ها آنهایی که شرایط زیر را داشته باشند، غربال شدند. طبق این شرایط و دسترسی به داده‌ها، تعداد ۱۷۳ شرکت ۶ساله انتخاب شدند.

۱) شرکت‌های بررسی شده جزء بانک‌ها، بیمه‌ها، لیزینگ‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها نباشند.

۲) نام شرکت قبل از شروع پژوهش در فهرست شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران درج شده باشد و تا پایان دوره پژوهش در بورس فعال باشند.

۳) برای رعایت قابلیت مقایسه، شرکت سال مالی خود را تغییر نداده باشد.

شواهدی از نقش شهرت حسابرس در بهبود کیفیت حسابرسی و کاهش ضمنی هزینه‌های نمایندگی در دسترس است [۵۸، ۴۸، ۲۰]. مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ و مشهور، انگیزه قوی‌تر و صلاحیت بیشتری برای حسابرسی باکیفیت دارند [۴۱، ۴۰]. درعین حال، برخی شواهد بیانگر این است که در صورت مهم تلقی شدن موضوع شهرت حسابرس در بازار خدمات حسابرسی، هرگونه کاهش شایان توجه در کیفیت خدمات مؤسسات حسابرسی سبب پیامدهای معکوسی برای صاحب‌کاران خواهد شد [۸۳، ۷۴، ۶۵، ۶۳، ۳۱، ۲۲]. با توجه به وجود شواهد متفاوت در زمینه اثر شهرت حسابرس و پیامدهای آن، فرضیه دوم پژوهش به شرح ذیل است:

فرضیه دوم: شهرت حسابرس بر هزینه‌های نمایندگی ناشی از تضاد منافع اثر معنی‌دار دارد.

برخی مطالعات ارتباط میان روابط سیاسی و کیفیت حسابرسی را از منظر شهرت و اندازه حسابرس بحث کرده‌اند. مطالعاتی بیانگر افزایش احتمال به‌کارگیری حسابرسان بزرگ و باکیفیت در شرکت‌های با روابط سیاسی است [۶۶، ۵۵]. از طرفی، برخی دیگر از مطالعات بیانگر سهم کمتر استفاده از حسابرسان بزرگ در شرکت‌های دارای روابط سیاسی است [۷۸، ۵۷]. طبق برخی شواهد به‌کارگیری حسابرس بزرگ سبب تعدیل ارتباط روابط سیاسی و هزینه نمایندگی می‌شود. به بیان دیگر، حسابرسان بزرگ تأثیر نظارتی خارجی در شرکت‌هایی دارند که حمایت ضعیف از سهام‌داران به عمل می‌آید [۲۰].

در نتیجه، فرضیه سوم پژوهش به این شرح است:

فرضیه سوم: شهرت حسابرس بر ارتباط روابط سیاسی و هزینه نمایندگی ناشی از تضاد منافع تأثیر معنی‌دار دارد.

$$AC_{it} = \alpha + \beta_1 AUDREP_{it} + \beta_2 AGE_{it} + \beta_3 BIND_{it} + \beta_4 DIV_{it} + \beta_5 EVOL_{it} + \beta_6 GR_{it} + \beta_7 LVG_{it} + \beta_8 MOWN_{it} + \beta_9 SIZE_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

### معرفی الگوها و متغیرهای پژوهش

در این پژوهش از الگوهای رگرسیون برگرفته از مطالعات آریفور و همکاران [۲۰] برای تحلیل فرضیه‌ها استفاده شده است. همچنین متغیرهای پژوهش در نگاره (۱) بیان شده‌اند:

$$AC_{it} = \alpha + \beta_1 POLCON_{it} + \beta_2 AUDREP_{it} + \beta_3 POLCON_{it} * AUDREP_{it} + \beta_4 AGE_{it} + \beta_5 BIND_{it} + \beta_6 DIV_{it} + \beta_7 EVOL_{it} + \beta_8 GR_{it} + \beta_9 LVG_{it} + \beta_{10} MOWN_{it} + \beta_{11} SIZE_{it} + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

$$AC_{it} = \alpha + \beta_1 POLCON_{it} + \beta_2 AGE_{it} + \beta_3 BIND_{it} + \beta_4 DIV_{it} + \beta_5 EVOL_{it} + \beta_6 GR_{it} + \beta_7 LVG_{it} + \beta_8 MOWN_{it} + \beta_9 SIZE_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

### نگاره ۱. متغیرهای بررسی شده پژوهش [۲۰]

نماد	شرح متغیرها	نحوه اندازه‌گیری و تعریف عملیاتی
$AC_{i,t}$	هزینه نمایندگی	عکس نسبت درآمد عملیاتی فروش به ارزش دفتری دارایی‌ها (کارایی دارایی‌ها)
$POLCON_{i,t}$	روابط سیاسی مالکیت مدیریت	اگر شرکت دارای مالکیت دولتی باشد و یا هیئت مدیران متشکل از اعضای با ارتباطات سیاسی دولتی باشد (اعضای هیئت مدیران وابسته به دولت، مجلس، نهادهای سیاسی و یا وجود سهام‌داران عمده دولتی و شبه دولتی)، کد یک و در غیر این صورت کد صفر
$AUDREP_{i,t}$	شهرت حسابرس	اگر حسابرس، سازمان حسابرسی یا مؤسسات معتمد سازمان بورس و با رتبه الف عضو جامعه حسابداران رسمی باشد، کد یک و در غیر این صورت کد صفر
$AGE_{i,t}$	سن	لگاریتم طبیعی سال‌های انجام فعالیت تجاری از بدو تأسیس تا سال مورد نظر
$BIND_{i,t}$	استقلال هیئت مدیران	نسبت اعضای غیرموظف به تعداد کل اعضای هیئت مدیران شرکت
$DIV_{i,t}$	پرداخت سود	اگر شرکت سود پرداخت کرده باشد، کد یک و در غیر این صورت کد صفر
$EVOL_{i,t}$	نوسان سود	انحراف معیار سود عملیاتی به ارزش دفتری دارایی‌ها طی دوره سه‌ساله
$GR_{i,t}$	رشد	رشد فروش شرکت نسبت به سال قبل
$LVG_{i,t}$	اهرم مالی	تقسیم ارزش دفتری بدهی‌ها به ارزش دفتری دارایی‌های شرکت
$MOWN_{i,t}$	مالکیت مدیریتی	درصد سهام نگهداری شده توسط اعضای هیئت مدیران
$SIZE_{i,t}$	اندازه	لگاریتم طبیعی درآمد عملیاتی فروش

### یافته‌های پژوهش

به‌طور میانگین ۲۷/۹۳۲ واحد لگاریتم طبیعی درآمد فروش است. بدهی‌ها به‌طور میانگین ۶۲/۲ درصد دارایی‌ها است. فروش به‌طور میانگین ۲۱/۸ درصد رشد مثبت داشته است. سود به‌طور میانگین ۸/۲ درصد دارایی‌ها نوسان داشته است. اعضای غیرموظف به‌طور میانگین ۶۸/۴ درصد اعضای هیئت مدیران است. به‌طور میانگین ۵۶/۷ درصد سهام در مالکیت مدیران است.

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در نگاره (۲) درج شده‌اند. درآمد عملیاتی به‌طور میانگین ۸۹/۴ درصد دارایی‌ها است؛ با کاهش (افزایش) کارایی دارایی‌ها، هزینه نمایندگی بیشتر (کمتر) می‌شود. در نتیجه در الگوهای رگرسیون از عکس این معیار استفاده شده است. سن مشاهده‌ها به‌طور میانگین ۳/۵۹۵ واحد لگاریتم طبیعی سال‌های انجام فعالیت تجاری از زمان تأسیس است. اندازه مشاهده‌ها

### نگاره ۲. نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	چولگی	کشدگی	مشاهده‌ها
AC <sub>i,t</sub>	۰/۸۹۴	۰/۷۶۹	۰/۵۵۹	۲/۲۴۵	۱۲/۳۷	۱۰۳۸
AGE <sub>i,t</sub>	۳/۵۹۵	۳/۷۱۴	۰/۳۸۸	-۰/۶۶۸	۲/۵۶۴	۱۰۳۸
BIND <sub>i,t</sub>	۰/۶۸۴	۰/۶۰۰	۰/۲۰۶	-۰/۲۸۱	۲/۶۲۹	۱۰۳۸
EVOL <sub>i,t</sub>	۰/۰۸۲	۰/۰۶۱	۰/۰۷۶	۲/۶۰۴	۱۳/۶۹	۱۰۳۸
GR <sub>i,t</sub>	۰/۲۱۸	۰/۱۴۳	۰/۵۰۷	۴/۲۱۶	۳۵/۸۳	۱۰۳۸
LVG <sub>i,t</sub>	۰/۶۲۲	۰/۶۱۳	۰/۲۶۰	۳/۱۹۵	۳۴/۴۷	۱۰۳۸
MOWN <sub>i,t</sub>	۰/۵۶۷	۰/۵۹۷	۰/۱۴۹	-۱/۳۲۶	۵/۰۹۳	۱۰۳۸
SIZE <sub>i,t</sub>	۲۷/۹۳	۲۷/۶۹	۱/۴۳۱	۱/۰۱۷	۴/۳۲۰	۱۰۳۸

کرده‌اند. در ۵۰/۳۹ درصد مشاهده‌ها هم وجود روابط سیاسی و هم شهرت حسابرسی قابل مشاهده است. در ۷۲/۳۵ درصد مشاهده‌ها پرداخت سود انجام گرفته است.

فراوانی مشاهده‌های روابط سیاسی، شهرت حسابرس و پرداخت سود در نگاره (۳) ارائه شده‌اند. حدود ۶۸/۶۹ درصد مشاهده‌ها روابط سیاسی دارند. ۶۵/۸۰ درصد مشاهده‌ها را سازمان حسابرسی و مؤسسات حسابرسی با رتبه کیفی بالا، حسابرسی

### نگاره ۳. نتایج بررسی متغیرهای مجازی پژوهش

متغیرها	کد صفر		کد یک		کل مشاهده‌ها	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
POLCON <sub>i,t</sub>	۳۲۵	۳۱/۳۱	۷۱۳	۶۸/۶۹	۱۰۳۸	۱۰۰
AUDREP <sub>i,t</sub>	۳۵۵	۳۴/۲۰	۶۸۳	۶۵/۸۰	۱۰۳۸	۱۰۰
POLCON <sub>i,t</sub> *AUDREP <sub>i,t</sub>	۵۱۵	۴۹/۶۱	۵۲۳	۵۰/۳۹	۱۰۳۸	۱۰۰
DIV <sub>i,t</sub>	۲۸۷	۲۷/۶۵	۷۵۱	۷۲/۳۵	۱۰۳۸	۱۰۰

لویین، لین و چو، متغیرها در مقیاس سطح، پایا هستند و مشکل ریشه کاذب وجود ندارد.

نتایج آزمون نرمال بودن و پایایی متغیرها در نگاره (۴) ارائه شده‌اند. طبق آماره‌های آزمون ریشه واحد

### نگاره ۴. نتایج آزمون نرمال بودن و پایایی متغیرهای پژوهش

متغیرها	آماره جارکو- برا	معناداری	آماره تی	معناداری	مشاهده‌ها
AC <sub>i,t</sub>	۴۶۶۹/۷	۰/۰۰۰	-۳۵/۲۲	۰/۰۰۰	۱۰۳۸
AGE <sub>i,t</sub>	۸۵/۴۴	۰/۰۰۰	-۱۳۴/۶	۰/۰۰۰	۱۰۳۸
BIND <sub>i,t</sub>	۱۹/۵۶	۰/۰۰۰	-۷/۰۹۹	۰/۰۰۰	۱۰۳۸
EVOL <sub>i,t</sub>	۶۱۱۷/۳	۰/۰۰۰	-۲۲/۴۹	۰/۰۰۰	۱۰۳۸
GR <sub>i,t</sub>	۴۹۶۹۸/۱	۰/۰۰۰	-۲۶/۲۷	۰/۰۰۰	۱۰۳۸
LVG <sub>i,t</sub>	۴۴۶۰۹/۸	۰/۰۰۰	-۱۵/۴۲	۰/۰۰۰	۱۰۳۸
MOWN <sub>i,t</sub>	۴۹۳/۸	۰/۰۰۰	-۱۹۰/۲	۰/۰۰۰	۱۰۳۸
SIZE <sub>i,t</sub>	۲۵۴/۳	۰/۰۰۰	-۳۵/۸۱	۰/۰۰۰	۱۰۳۸

آماره تی بین برخی متغیرها کمتر از سطح خطای ۵ درصد است و بین برخی زوج متغیرها همبستگی

نتایج بررسی همبستگی متغیرهای پژوهش در نگاره (۵) نشان داده شده‌اند. طبق نتایج، معناداری

معناداری وجود دارد. اما ضرایب همبستگی متغیرها ندارد. شدت زیادی ندارند و هم‌خطی بین متغیرها وجود

نگاره ۵. نتایج آزمون همبستگی متغیرهای پژوهش

SIZE <sub>i,t</sub>	MOWN <sub>i,t</sub>	LVG <sub>i,t</sub>	GR <sub>i,t</sub>	EVOL <sub>i,t</sub>	DIV <sub>i,t</sub>	BIND <sub>i,t</sub>	AGE <sub>i,t</sub>	AREP <sub>i,t</sub>	PCON <sub>i,t</sub>	AC <sub>i,t</sub>	ضریب آماره تی معناداری
										۱/۰۰۰	
										-	AC <sub>i,t</sub>
										-	
									۱/۰۰۰	۰/۱۱۶	PCON <sub>i,t</sub>
									-	۳/۷۶۹	
									-	۰/۰۰۰	
								۱/۰۰۰	-۰/۱۰۵	-۰/۰۷۵	AREP <sub>i,t</sub>
									-	-۳/۴۰۶	-۲/۴۲۸
									-	۰/۰۰۰	۰/۰۱۵
							۱/۰۰۰	۰/۰۳۳	-۰/۱۴۴	۰/۱۱۶	AGE <sub>i,t</sub>
									-	۱/۰۵۸	۳/۷۴۴
									-	۰/۲۹۰	۰/۰۰۰
						۱/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۰۰۱	-۰/۰۳۷	-۰/۱۱۱	BIND <sub>i,t</sub>
									-	۰/۲۰۰	-۳/۵۸۲
									-	۰/۸۴۲	۰/۰۰۰
					۱/۰۰۰	۰/۱۶۵	۰/۰۴۳	۰/۰۵۴	۰/۰۷۵	-۰/۱۷۲	DIV <sub>i,t</sub>
						۵/۳۹۹	-۱/۳۸۷	۱/۷۳۴	۲/۴۲۰	-۵/۶۳۵	
									-	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
				۱/۰۰۰	۰/۰۶۸	۰/۱۳۷	۰/۰۷۳	۰/۰۷۸	۰/۰۱۷	-۰/۰۳۴	EVOL <sub>i,t</sub>
					۲/۱۹۵	۴/۴۶۳	۲/۳۵۵	۲/۵۰۷	۰/۵۵۷	-۱/۱۰۶	
					-	۰/۰۲۸	۰/۰۰۰	۰/۰۱۹	۰/۵۷۸	۰/۲۶۹	
			۱/۰۰۰	-۰/۰۳۴	-۰/۰۱۰	۰/۰۵۲	-۰/۰۴۵	-۰/۰۴۹	-۰/۰۲۱	-۰/۱۲۷	
					-	-۱/۹۸۹	-۰/۳۱۲	۱/۶۶۶	-۱/۵۶۸	-۴/۱۲۵	GR <sub>i,t</sub>
						-	۰/۰۴۷	۰/۷۵۵	۰/۶۲	۰/۰۰۰	
									۱/۰۰۰	-۰/۰۹۸	-۰/۰۶۷
										-	-۳/۱۶۳
										-	-۳/۰۵۷
											-۱۳/۳۱
											-۷/۷۷۹
											۰/۴۷۱
											۰/۶۴۷
											۳/۰۷۴
											-۲/۵۲۳
											۰/۰۱۲
											۰/۰۰۲
											۰/۵۱۸
											۰/۰۰۲
											۰/۲۴۵
											۰/۱۶۲
											۱/۰۰۰
											۰/۱۰۱
											-
											۳/۲۷۹
											-۱/۲۶۳
											۳/۲۹۱
											۴/۶۹۲
											-۳/۱۶۸
											-۱/۱۰۹
											۱/۹۹۳
											۸/۱۳۸
											۵/۲۷۱
											۰/۰۰۰
											۰/۰۰۰
											۰/۲۶۸
											۰/۰۴۷
											۰/۰۰۰
											۰/۳۱۰
											-۰/۲۰۹
											۱/۰۰۰
											۰/۱۵۳
											۴/۹۹۲
											۲/۴۷۲
											۰/۹۵۰
											۱/۷۸۴
											۴/۴۰۹
											-۴/۲۹۷
											۲/۳۳۴
											۷/۳۱۴
											۱۵/۵۰
											-۶/۸۸۷
											۰/۰۰۰
											۰/۰۰۰

ناهمسانی واریانس باقی مانده‌ها مناسب است. نتایج نهایی الگوهای رگرسیون پژوهش در نگاره‌های (۷)، (۹) و (۱۱) ارائه شده‌اند. طبق آماره فیشر روابط خطی معنادار در الگوها وجود دارد. آماره دوربین-واتسون نشان داد باقی مانده‌های الگوها مشکل خودهمبستگی ندارند. ضرایب تعیین بیانگر توان توضیحی زیاد متغیرهای الگوها است.

نتایج بررسی ابتدایی الگوهای رگرسیون پژوهش در نگاره‌های (۶)، (۸) و (۱۰) بیان شده‌اند. طبق آماره‌های اف لیمر در آزمون چاو، استفاده از رویکرد داده‌های ترکیبی مناسب‌تر است. طبق آماره‌های کای-دو در آزمون هاسمن، استفاده از الگوی اثرات ثابت مناسب‌تر است. طبق آماره‌های نسبت درست‌نمایی، استفاده از روش کمینه مربعات تعمیم‌یافته برای رفع

نگاره ۶. نتایج بررسی ابتدایی شرایط الگوی رگرسیون فرضیه اول پژوهش

آزمون	آماره	مقدار	درجه آزادی	معناداری	نتیجه و راهکار
ترکیب پذیری چاو	اف لیمر	۲۶/۷۰	(۱۷۲ و ۸۵۶)	۰/۰۰۰	داده های ترکیبی
اثرپذیری هاسمن	کای دو	۸۹/۳۹	۹	۰/۰۰۰	اثرات ثابت
ناهمسانی واریانس ها	اف	۴/۸۷۳	(۹ و ۱۰۲۸)	۰/۰۰۰	کمینه مربعات تعمیم یافته

نگاره ۷. نتایج آزمون نهایی الگوی رگرسیون فرضیه اول پژوهش

متغیرهای توضیحی	ضرایب	خطای استاندارد	آماره تی	معناداری	عامل تورم واریانس
C	۲/۶۷۱	۰/۳۳۷	۷/۹۳۱	۰/۰۰۰	-
POLCON <sub>i,t</sub>	۰/۰۶۱	۰/۰۱۱	۵/۷۴۶	۰/۰۰۰	۱/۲۰۹
AGE <sub>i,t</sub>	۱/۱۹۶	۰/۱۱۴	۱۰/۵۳	۰/۰۰۰	۱/۰۴۸
BIND <sub>i,t</sub>	-۰/۰۵۹	۰/۰۲۳	-۲/۵۴۰	۰/۰۱۱	۱/۱۱۸
DIV <sub>i,t</sub>	-۰/۰۳۸	۰/۰۰۹	-۴/۱۰۹	۰/۰۰۰	۱/۲۶۷
EVOL <sub>i,t</sub>	۰/۰۱۸	۰/۰۹۵	۰/۱۹۱	۰/۸۴۸	۱/۰۵۵
GR <sub>i,t</sub>	-۰/۱۰۴	۰/۰۰۸	-۱۲/۷۳	۰/۰۰۰	۱/۰۲۶
LVG <sub>i,t</sub>	-۰/۱۰۳	۰/۰۱۳	-۷/۷۷۲	۰/۰۰۰	۱/۲۷۷
MOWN <sub>i,t</sub>	۰/۱۱۳	۰/۰۵۲	۲/۱۹۰	۰/۰۲۹	۱/۱۳۳
SIZE <sub>i,t</sub>	-۰/۲۸۲	۰/۰۱۸	-۱۵/۳۰	۰/۰۰۰	۱/۱۸۷
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۹۳۶	آماره فیشر	۸۴/۵۳		
آماره دوربین- واتسون	۱/۵۳۳	احتمال آماره فیشر	۰/۰۰۰		

نهادهای سیاسی و یا وجود سهام داران عمده دولتی و شبه دولتی، مخارجی دارد و طبق شواهد سبب افزایش تضاد منافع در حوزه مسائل نمایندگی شده است. این موضوع موجب افزایش هزینه های نمایندگی می شود. سایر نتایج الگو بیانگر آن است که نوسان سود، تأثیر معناداری بر هزینه های نمایندگی ندارد. سن شرکت و مالکیت مدیریتی تأثیر معنادار مثبت و از طرفی استقلال هیئت مدیران، پرداخت سود، رشد فروش، اهرم مالی و اندازه شرکت تأثیر معنادار منفی بر هزینه های نمایندگی دارند.

طبق نتایج نگاره (۷) روابط سیاسی مالکیت- مدیریت بر اساس آماره تی (۵/۷۴۶)، معناداری آن (۰/۰۰۰) و ضریب مربوط (۰/۰۶۱) تأثیر معنادار مثبتی بر هزینه های نمایندگی دارد. بر اساس این، فرضیه اول پژوهش تأیید می شود. بنابراین هنگامی که مشاهده های بررسی شده، روابط سیاسی دارند، هزینه های نمایندگی افزایش پیدا کرده است. در مقابل، در مشاهده هایی که از روابط سیاسی بهره مند نیستند، هزینه های نمایندگی پایین است. این بدان معنا است که برخورداری از روابط سیاسی بر حسب وجود اعضای هیئت مدیران وابسته به دولت، مجلس،

## نگاره ۸. نتایج بررسی ابتدایی شرایط الگوی رگرسیون فرضیه دوم پژوهش

آزمون	آماره	مقدار	درجه آزادی	معناداری	نتیجه و راهکار
ترکیب‌پذیری چاو	اف لیمر	۲۶/۱۸	(۱۷۲ و ۸۵۶)	۰/۰۰۰	داده‌های ترکیبی
اثرپذیری هاسمن	کای دو	۹۱/۶۳	۹	۰/۰۰۰	اثرات ثابت
ناهمسانی واریانس‌ها	اف	۵/۶۵۰	(۹ و ۱۰۲۸)	۰/۰۰۰	کمینه مربعات تعمیم‌یافته

## نگاره ۹. نتایج آزمون نهایی الگوی رگرسیون فرضیه دوم پژوهش

متغیر وابسته:  $AC_{i,t}$ 

متغیرهای توضیحی	ضرایب	خطای استاندارد	آماره تی	معناداری	عامل تورم واریانس
C	۲/۵۴۶	۰/۳۴۹	۷/۲۹۶	۰/۰۰۰	-
AUDREP <sub>i,t</sub>	-۰/۰۲۱	۰/۰۰۷	-۳/۰۵۸	۰/۰۰۲	۱/۱۷۵
AGE <sub>i,t</sub>	۱/۲۰۱	۰/۱۲۹	۹/۳۴۲	۰/۰۰۰	۱/۰۲۲
BIND <sub>i,t</sub>	-۰/۰۵۶	۰/۰۲۴	-۲/۳۱۹	۰/۰۲۱	۱/۱۴۲
DIV <sub>i,t</sub>	-۰/۰۳۰	۰/۰۰۹	-۳/۴۹۴	۰/۰۰۱	۱/۲۶۹
EVOL <sub>i,t</sub>	۰/۰۰۶	۰/۱۱۲	۰/۰۵۷	۰/۹۵۵	۱/۰۵۵
GR <sub>i,t</sub>	-۰/۱۰۴	۰/۰۰۷	-۱۵/۵۹	۰/۰۰۰	۱/۰۲۵
LVG <sub>i,t</sub>	-۰/۱۰۳	۰/۰۲۱	-۴/۹۰۸	۰/۰۰۰	۱/۲۸۷
MOWN <sub>i,t</sub>	۰/۱۲۰	۰/۰۵۱	۲/۳۵۰	۰/۰۱۹	۱/۰۸۴
SIZE <sub>i,t</sub>	-۰/۲۷۷	۰/۰۲۱	-۱۳/۱۶	۰/۰۰۰	۱/۱۷۴
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۹۱۴		آماره فیشر	۶۲/۰۴	
آماره دوربین-واتسون	۱/۵۲۸		احتمال آماره فیشر	۰/۰۰۰	

است که حساب‌برسان برخوردار از شهرت و رتبه کیفی مناسب با تمرکز بر بعد حفاظت از شهرت خود در بازار، خدمات حسابرسی را انجام می‌دهند و از طریق جلب اطمینان بهره‌وران مبنی بر انجام مسئولیت اعتباربخشی به اطلاعات شرکت‌ها، از توانمندی مناسب برای کاهش اثرات ناشی از تضاد منافع بین مدیران با مالکان و سایر بهره‌وران برخوردار هستند؛ این موضوع سبب کاهش هزینه‌های نمایندگی می‌شود. سایر نتایج الگو بیانگر آن است که نوسان سود، تأثیر معناداری بر هزینه‌های نمایندگی ندارد. سن شرکت و مالکیت مدیریتی تأثیر معنادار مثبت و

طبق نتایج نگاره (۹)، شهرت حساب‌برس بر اساس آماره تی (-۳/۰۵۸)، معناداری آن (۰/۰۰۲) و ضریب مربوط (-۰/۰۲۱)، تأثیر معنادار منفی بر هزینه‌های نمایندگی دارد. بر اساس این، فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود. بنابراین وقتی سازمان حسابرسی یا مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس با رتبه کیفی الف جامعه حسابداران رسمی، مشاهده‌های بررسی شده را حسابرسی کنند، هزینه‌های نمایندگی پایین‌تر است. در مقابل، مشاهده‌هایی که سایر مؤسسات حسابرسی آنها را حسابرسی کرده‌اند، هزینه‌های نمایندگی بالاتری دارند. این بدان معنا

این بدان معنا است که به کارگیری حسابرسان برخوردار از درجه شهرت و اعتبار کیفی زیاد در شرکت‌های دارای روابط سیاسی سبب فروکش کردن تضادهای نمایندگی شده و به کاهش هزینه‌های نمایندگی انجامیده است. سایر نتایج الگو بیانگر آن است که نوسان سود، تأثیر معناداری بر هزینه‌های نمایندگی ندارد. سن شرکت و مالکیت مدیریتی تأثیر معنادار مثبت و از طرفی استقلال هیئت مدیران، پرداخت سود، رشد فروش، اهرم مالی و اندازه شرکت تأثیر معنادار منفی بر هزینه‌های نمایندگی دارند.

از طرفی استقلال هیئت مدیران، پرداخت سود، رشد فروش، اهرم مالی و اندازه شرکت، تأثیر معنادار منفی بر هزینه‌های نمایندگی دارند. طبق نتایج نگاره (۱۱) بر اساس آماره تی (۳/۲۴۹-)، معناداری آن (۰/۰۰۱) و ضریب مربوط (۰/۰۲۱-)، شهرت مؤسسه حسابرسی تأثیر تضعیف‌کننده معنادار بر ارتباط بین روابط سیاسی و هزینه‌های نمایندگی دارد. در نتیجه فرضیه سوم پژوهش تأیید می‌شود. بنابراین وقتی مؤسسات حسابرسی مشهور و با اعتبار کیفی مشاهده‌های دارای روابط سیاسی را حسابرسی کنند، هزینه‌های نمایندگی پایین‌تر است. در مقابل، سایر مشاهده‌ها هزینه‌های نمایندگی بالاتری دارند.

#### نگاره ۱۰. نتایج بررسی ابتدایی شرایط الگوی رگرسیون فرضیه سوم پژوهش

آزمون	آماره	مقدار	درجه آزادی	معناداری	نتیجه و راهکار
ترکیب‌پذیری چاو	اف لیمر	۲۶/۱۳	(۱۷۲ و ۸۵۴)	۰/۰۰۰	داده‌های ترکیبی
اثرپذیری هاسمن	کای دو	۹۲/۷۷	۱۱	۰/۰۰۰	اثرات ثابت
ناهمسانی واریانس‌ها	اف	۵/۷۱۳	(۱۱ و ۰۲۶)	۰/۰۰۰	کمینه مربعات تعمیم‌یافته

#### نگاره ۱۱. نتایج آزمون نهایی الگوی رگرسیون فرضیه سوم پژوهش

متغیرهای توضیحی	ضرایب	خطای استاندارد	آماره تی	معناداری	عامل تورم واریانس
C	۲/۴۸۵	۰/۳۱۴	۷/۹۰۷	۰/۰۰۰	-
POLCON <sub>i,t</sub>	۰/۰۴۸	۰/۰۰۹	۵/۵۳۶	۰/۰۰۰	۲/۰۲۲
AUDREP <sub>i,t</sub>	-۰/۰۲۴	۰/۰۰۶	-۴/۱۹۵	۰/۰۰۰	۱/۳۴۰
POL <sub>i,t</sub> *AREP <sub>i,t</sub>	-۰/۰۲۱	۰/۰۰۶	-۳/۲۴۹	۰/۰۰۱	۲/۱۵۰
AGE <sub>i,t</sub>	۱/۲۳۱	۰/۱۱۷	۱۰/۵۴	۰/۰۰۰	۱/۰۵۹
BIND <sub>i,t</sub>	-۰/۰۶۰	۰/۰۲۴	-۲/۴۷۷	۰/۰۱۳	۱/۱۴۹
DIV <sub>i,t</sub>	-۰/۰۳۷	۰/۰۱۰	-۳/۵۴۵	۰/۰۰۰	۱/۲۷۹
EVOL <sub>i,t</sub>	۰/۰۲۲	۰/۱۰۹	۰/۱۹۷	۰/۸۴۴	۱/۰۶۳
GR <sub>i,t</sub>	-۰/۱۰۳	۰/۰۰۹	-۱۱/۲۵	۰/۰۰۰	۱/۰۲۹
LVG <sub>i,t</sub>	-۰/۱۰۹	۰/۰۱۶	-۶/۶۳۱	۰/۰۰۰	۱/۲۹۶
MOWN <sub>i,t</sub>	۰/۰۶۷	۰/۰۳۲	۲/۱۱۶	۰/۰۳۵	۱/۱۳۵
SIZE <sub>i,t</sub>	-۰/۲۷۸	۰/۰۱۹	-۱۴/۴۷	۰/۰۰۰	۱/۲۵۶
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۹۳۳	آماره فیشر	۸۰/۲۱		
آماره دورین - واتسون	۱/۵۳۳	احتمال آماره فیشر	۰/۰۰۰		



طبق نتایج مندرج در نگاره‌های (۷)، (۹) و (۱۱)، چنانچه مدت زمان بیشتری از تأسیس و شروع فعالیت تجاری شرکت‌ها گذشته باشد و درصد بیشتری از سهام شرکت در تملک مدیران و اعضای هیئت مدیران باشد، هزینه‌های نمایندگی بیشتر است. درمقابل در شرکت‌های جوان‌تر که مدت کمتری از تأسیس آنها گذشته است و در شرکت‌هایی که مدیران، درصد سهام کمتری در مالکیت دارند، هزینه‌های نمایندگی کمتر است. همچنین شرکت‌های دارای تعداد بیشتر اعضای غیرموظف در هیئت مدیران، شرکت‌های پرداخت‌کننده سود، شرکت‌های با رشد بیشتر فروش، شرکت‌های با نسبت بالاتر اهرم مالی از بعد نظارت و شرکت‌های بزرگ‌تر با هزینه‌های نمایندگی کمتری مواجه هستند.

### بحث و نتیجه‌گیری پژوهش

با توجه به تضاد منافع بین مدیران و مالکان و امکان وقوع مشکلات نمایندگی، تلاش برای شناسایی عوامل کاهنده هزینه‌های نمایندگی تحمیل شده بر شرکت‌ها از اهمیت برخوردار است. شواهد پژوهش حاضر بیانگر این است که شرکت‌های دارای روابط سیاسی، هزینه‌های نمایندگی بیشتری دارند. این موضوع را شاید این‌گونه استدلال شود که شرکت‌ها با دارا بودن روابط سیاسی، توجهی به ارزش سهام‌داران ندارند و مدیران آنها به دنبال منافع شخصی هستند تا منافع عمومی؛ این موضوع سبب می‌شود روابط سیاسی سبب کاهش ارزش شرکت شود و با نبود شفافیت اطلاعات همراه گردد. در این مواقع انتظار می‌رود هزینه‌های نمایندگی افزایش یابد. این نتیجه مطابق با نتایج مطالعه آریفور و همکاران است [۲۰].

سایر شواهد پژوهش حاضر نشان دادند در شرکت‌هایی که از حسابرس مشهور با رتبه کیفی بالا بهره برده‌اند، هزینه‌های نمایندگی کاهش یافته است. این موضوع نشان می‌دهد حسابرسی از نیروهای بیرونی نظارتی راهبری شرکتی است و سبب کاهش تضاد نمایندگی، کاهش احتمال بروز عدم تقارن اطلاعاتی، کاهش دستکاری سود و به صورت نسبی تضمین‌کننده شفافیت اطلاعات مالی می‌شود. همچنین حضور حسابرسان مشهور با کیفیت به دلیل انگیزه قوی‌تر و صلاحیت بیشتر، زمینه کاهش هزینه‌های نمایندگی را فراهم می‌آورد. این نتیجه مطابق با نتایج مطالعات آکوی و رامادان، آریفور و همکاران و همچنین اوسو و ویر است [۷۰، ۲۰، ۱۷].

شواهد تکمیلی پژوهش حاضر نشان دادند در شرکت‌های دارای روابط سیاسی با به‌کارگیری حسابرسان مشهور با رتبه کیفی بالا، هزینه نمایندگی کاهش یافته است. در واقع حسابرسان بزرگ تأثیر نظارتی خارجی در شرکت‌هایی دارند که حمایت ضعیفی از سهام‌داران به عمل می‌آید و حضور حسابرسان با شهرت کیفی بالا عامل تضعیف اثر روابط سیاسی بر هزینه نمایندگی است. این نتیجه مطابق با نتایج مطالعه آریفور و همکاران است [۲۰].

با توجه به انتظار کاربردی بودن نتایج پژوهش حاضر، به مدیران و اعضای هیئت مدیران شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود با اتخاذ تصمیماتی که سبب هم‌راستایی منافع آنها با سهام‌داران و مالکان می‌شود، زمینه کاهش هزینه‌های نمایندگی را فراهم آورند. بخشی از این کار ممکن است از طریق به‌کارگیری حسابرسان با رتبه کیفی بالا محقق شود که طبق نتایج پژوهش، این موضوع تأیید شده است. همچنین کاهش روابط سیاسی ناکارا و غیرسازنده به دلیل

بررسی شده مانند وضعیت درماندگی و نابسامانی مالی شرکت‌ها در ارتباط با موضوع پژوهش و ارزیابی هزینه‌های نمایندگی در این شرایط بررسی شود. پیشنهاد می‌شود موضوع پژوهش با در نظر گرفتن مدیریت و هموارسازی سود و نقش کیفیت حسابرسی و روابط سیاسی در زمینه ارتباط این موضوعات با هزینه‌های نمایندگی بررسی شود. به علاوه، تمرکز بر جایگاه کمیته‌های حسابرسی و ارزیابی‌های حسابرس از ضعف نظارت‌های داخلی در زمینه‌های مرتبط با هزینه نمایندگی جنبه‌های دیگر موضوع را در پژوهش‌های آتی مشخص می‌کند؛ از این رو انجام این بررسی‌ها به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود.

#### منابع

۱. اخگر، محمدامید و کلانی، فاطمه. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر اصطکاک‌های بازار بر محدودیت مالی با تأکید بر ارتباطات سیاسی. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۱ (۲): ۱۷-۳۸.
۲. بیرامی، لاله و رستمی، وهاب. (۱۳۹۳). تأثیر کیفیت حسابرسی بر هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله اقتصادی*، ۱۴ (۹-۱۰): ۵۴-۴۱.
۳. جمالی، امیرحسین و کرمی، محمود. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابرسی*، ۱۶ (۶۴): ۸۱-۹۸.
۴. جنت مکان، حسین؛ حمیدیان، محسن و حاجی‌ها، زهره. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی با مدیریت مبتنی بر ارزش آفرینی و هزینه نمایندگی: آزمون تئوری اقتصاد سیاسی. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۸ (۳۱): ۲۱۵-۲۳۰.

پیامدهای منفی آن طبق نتایج پژوهش سبب کاهش هزینه‌های نمایندگی می‌شود. به سهام‌داران، اعتباردهندگان و تحلیل‌گران پیشنهاد می‌شود برای ارزیابی هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌ها و شناسایی عوامل اصلی مؤثر بر تضاد منافع بین مدیران و دیگران به ویژه مالکان به نتایج پژوهش حاضر توجه کنند؛ زیرا از منظر عوامل کاهنده هزینه‌های نمایندگی شواهد نشان دادند کاهش روابط سیاسی مخرب و حضور حسابرس با شهرت و باکیفیت تأثیر مهمی در کاهش این مشکلات دارد. به علاوه به حسابرسان پیشنهاد می‌شود با اجرای حسابرسی باکیفیت در راستای تحقق اهداف راهبری شرکتی برای رعایت حقوق بهره‌وران، همان‌گونه که نتایج پژوهش حاضر نشان داده است، زمینه کاهش هزینه‌های نمایندگی را فراهم سازند. تحقق این موضوع با تمرکز بیشتر حسابرسان بر مفاهیم مراقبت‌های حرفه‌ای، استقلال و صلاحیت حرفه‌ای امکان‌پذیر است. در ضمن با توجه به اهمیت مسائل نمایندگی و وجود تضاد منافع بین مدیران و مالکان، انتظار می‌رود این موضوع در تأثیر موضوعات مختلفی قرار گیرد. در نتیجه، پیشنهاد می‌شود مسائل دیگر مرتبط با موضوع را محققان بررسی کنند؛ از جمله اینکه موضوع پژوهش با توجه به معیارهای دیگر حوزه کیفیت حسابرسی مانند تخصص حسابرس، دستمزد حسابرس، استقلال حسابرس و نیز جایگاه تردیدهای حرفه‌ای حسابرسی بررسی شود. بررسی موضوع پژوهش با در نظر گرفتن شرایط سودده یا زیان‌ده بودن شرکت‌ها و ارزیابی هزینه‌های نمایندگی با توجه به نوع صنایع نیز مفید است. پیشنهاد می‌شود تأثیر محیط کلان اقتصادی مانند شرایط رونق و رکود اقتصادی و همچنین جایگاه محیط خرد اقتصادی در سطح شرکت‌های

۵. حیدری، مهدی؛ قادری، بهمن و رسولی، پیمان. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر کیفیت حسابداری بر هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی: الگوسازی معادلات ساختاری. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۳ (۳): ۳۷۲-۳۵۳.
۶. حیدری، مهدی؛ دیدار، حمزه و قادری، بهمن. (۱۳۹۳). بررسی تجربی رابطه بین فرضیه هزینه‌های سیاسی با فرصت‌های رشد شرکت: رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۲ (۴۷): ۱۵۷-۱۴۱.
۷. خدای پور، احمد؛ دلدار، مصطفی و محمدرضاخانی، وحید. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی بر کیفیت حسابرسی. *دانش حسابرسی*، ۱۳ (۵۰): ۱۱۹-۱۳۶.
۸. دیدار، حمزه؛ منصورفر، غلامرضا و پرویزی راحت، محمدرضا. (۱۳۹۱). بررسی اثر میانجی کیفیت حسابرسی در رابطه بین مشکلات نمایندگی و کیفیت گزارشگری مالی. *دانش حسابداری مالی*، ۲ (۶): ۱۱۵-۱۳۲.
۹. صالحی‌نیا، محسن و تامرادی، علی. (۱۳۹۸). تأثیر ارتباطات سیاسی بر سیاست‌های تأمین مالی. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۱ (۲): ۳۹-۶۰.
۱۰. فغانی، مهدی و پهلوان، هادی. (۱۳۹۷). تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر رابطه بین کیفیت کنترل‌های داخلی و مدیریت سود. *دانش حسابداری*، ۹ (۳): ۸۷-۶۵.
۱۱. کرمشاهی، بهنام. (۱۳۹۶). تأثیر کیفیت حسابرسی بر هزینه نمایندگی، مدیریت سود و محافظه‌کاری در شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران. *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، ۶ (۲۱): ۸۶-۱۰۱.
۱۲. نوروزی، محمد؛ آذین‌فر، کاوه؛ عباسی، ابراهیم و داداشی، ایمان. (۱۳۹۹). طراحی الگو و ارزیابی نقش تعدیلی توانایی مدیریت بر رابطه خوانایی گزارشگری مالی و هزینه نمایندگی. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۲ (۱): ۱-۱۸.
۱۳. نوروزی، محمد و خدادادی، ولی. (۱۳۹۵). هزینه نمایندگی جریان نقد آزاد و قیمت‌گذاری نادرست سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۸ (۲): ۸۵-۱۰۰.
۱۴. نیکومرام، هاشم؛ بنی‌مهد، بهمن؛ رهنمای-رودپشتی، فریدون و کیایی، علی. (۱۳۹۲). دیدگاه اقتصاد سیاسی و مدیریت سود. *حسابداری مدیریت*، ۶ (۱۸): ۳۱-۴۳.
۱۵. ولی‌زاده‌لاریجانی، اعظم؛ رحمانی، علی و ساده، شقایق. (۱۳۹۷). رابطه بین افشای گزارش کنترل‌های داخلی، هزینه‌های نمایندگی و مدیریت سود. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۷ (۲۵): ۲۹-۴۰.
16. Adhikari, A., Derashid, C., & H., Zhang. (2006). Public policy, political connections, and effective tax rates: Longitudinal evidence from Malaysia. *Journal of Accounting and Public Policy*, 25 (5): 574-595.
17. Akway, I. D., & M. M., Ramadan. (2019), The Role of Audit Quality in Reducing Agency Costs and Cost of Equity Capital: An Empirical Study on Companies listed in the Egyptian Stock Exchange, *Journal of Accounting Research*, 3 (2), 1-45.
18. Ang, J. S., Cole, R. A., & J. W., Lin. (2000). Agency cost and ownership structures. *The Journal of Finance*, 55 (1): 81-106.
19. Aning Sejati, Y. (۲۰۰۹). Political connections and earnings quality: evidence from Malaysia. *Phd Dissertation*, Oklahoma State University.
20. Arifur, K., Dessalegn, G., Mihret, M., & M., Badrul. (2016). Corporate political connections, agency costs and audit quality.

33. Claessens, S., Feijen, E., & L., Laeven. (2008). Political connections and preferential access to finance: The role of campaign contributions. *Journal of Financial Economics*, 88 (3): 554-580.
34. Correia, M. M. (2014). Political connections and SEC enforcement. *Journal of Accounting and Economics*, 57 (2-3): 241-262.
35. Crutchley, C. E., Jensen, M. R. H., Jarhead, J. S., & J. E., Raymond. (1999). Agency problems and the simultaneity of financial decision making: The role of institutional ownership. *International Review of financial Analysis*, 8 (2): 177-197.
36. Cull, R., & L. C., Xu. (2005). Institutions, ownership, and finance: the determinants of profit reinvestment among Chinese firms. *Journal of Financial Economics*, 77(1): 117-146.
37. Datar, S., & M., Alles. (1999). The formation and role of reputation and litigation in the auditor-manager relationship. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 14 (4): 401-428.
38. Datta, D., & S. K., Ganguli. (2014). Political connection and firm value: an Indian perspective. *South Asian Journal of Global Business Research*, 3 (2): 170-189.
39. Davidson, R. A. & D., Neu. (۱۹۹۳). A Note on Association between Audit Firm Size and Audit Quality. *Contemporary Accounting Research*, 9 (2): 479-488.
40. DeAngelo, L. E. (1981). Auditor Size and Audit Quality. *Journal of Accounting and Economics*, 3 (3): 183-199.
41. DeFond, M., & J., Zhang. (2014), A review of archival auditing research, *Journal of Accounting and Economics*, 58 (2-3), 275-326.
42. Dinc, I.S. (2005). Politicians and banks: Political influences on government-owned banks in emerging countries. *Journal of Financial Economics*, 77 (2): 453-479.
43. Ding, S., Jia, C., Wilson, C., & Z., Wu. (2014). Political connections and agency conflicts: the roles of owner and manager political influence on executive compensation. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 45 (2): 407-434.
44. Elkelish, W. W. (2018). Corporate governance risk and the agency problem, Corporate Governance. *The International Journal of Business in Society*, 18 (2): 254-269.
21. Ashbaugh, H., & T. D., Warfield. (2003). Audits as a Corporate Governance Mechanism: Evidence from the German Market. *Journal of International Accounting Research*, 2 (1): 1-21.
22. Barton, J. (2005). Who cares about auditor reputation?. *Contemporary Accounting Research*, 22: 549-586.
23. Bencheikh, F., & N.B., Taktak. (2017), Political Connections & Debt Access: The Case of Tunisian Firms, *International Journal of Economics and Financial Issues*, 7 (3): 180-185.
24. Bertrand, M., Kramarz, F., Schoar, A., & D., Thesmar. (2006). Politicians, firms and the political business cycle: Evidence from France. *Working Paper*, University of Chicago.
25. Bliss, M. A., & F. A., Gul. (2012). Political connection and cost of debt: Some Malaysian evidence. *Journal of Banking and Finance*, 36 (5): 1520-1527.
26. Boubakri, N., Cosset, J. C., & W. Saffar, (2008). Political connections of newly privatized firms. *Journal of Corporate Finance*, 14 (5): 654-673.
27. Boubakri, N., Guedhami, O., Mishrs, D. R., & W., Saffar. (2012). Political connections and the cost of equity capital. *Journal of Corporate Finance*, 18 (3): 541-559.
28. Braggion, F., & M., Lyndon. (2011). The Economic Benefits of Political Connections in Late Victorian Britain. *Working Paper*, Tilburg University, Center Discussion, Paper No. 2011-039.
29. Brooks, L. (2016). Political Connection and the Demand for Industry Specialist Auditors. *Accounting and Finance Research*, 5 (1): 210-231.
30. Bunkanwanicha, P., & Y., Wiwattanakantang. (2009). Big business owners in politics. *Review of Financial Studies*, 22(6): 2133-2168.
31. Cahan, S.F., Emanuel, D., & J., Sun. (2009). Are the reputations of the large accounting firms really international? Evidence from the Andersen-Enron affair. *Auditing: A Journal of Theory and Practice*, 28: 199-226.
32. Chaney, P. K., Faccio, M., & D., Parsley. (2011). The quality of accounting information in politically-connected firms. *Journal of Accounting and Economics*, 51 (1-2): 58-76.

58. Hope, O. & Langli, J.C. & W.B., Thomas. (2012). Agency conflicts and auditing in private firms. *Accounting, Organizations and Society*, 37 (7): 500-517.
59. Jensen, M.C., & W.H., Meckling. (1976). Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure. *Journal of Financial Economics*, 3 (4): 305-360.
60. Johnson, S., & T., Mitton. (2003). Cronyism and capital controls: Evidence from Malaysia. *Journal of Financial Economics*, 67 (2): 351-382.
61. Khwaja, A.I., & J.C., Mian. (2005). Do lenders favour politically-connected firms? Rent provision in an emerging financial market. *Quarterly Journal of Economics*, 120 (4): 1371-1411.
62. Kim, C.F., Pantzalis, C., & J.C., Park. (2012). Political geography and stock returns: The value and risk implications of proximity to political power. *Journal of Financial Economics*, 106 (1), 196-228.
63. Krishnamurthy, S., Zhou, J., & N., Zhou, (2006). Auditor reputation, auditor independence, and the stock-market impact of Andersen's indictment on its client firms. *Contemporary Accounting Research*, 23 (2): 465-490.
64. Kwon, S.Y., Lee, N.R., & E., Ki, (2014). Effects of agency costs on the relationship of corporate governance with audit quality and accounting conservatism in the Korean audit market, *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 21 (2): 157-185.
65. Lennox, C.S. (1999). Audit quality and auditor size: An evaluation of reputation and deep pockets hypotheses. *Journal of Business Finance & Accounting*, 26 (7-8): 779-805.
66. Liu, Y., Li, X., Zeng, H., & Y., An. (2017). Political connections, auditor choice and corporate accounting transparency: evidence from private sector firms in China. *Accounting and Finance*, 57 (4): 1071-1099.
45. Faccio, M. (2006). Politically-connected firms. *American Economic Review*, 96 (1): 369-386.
46. Faccio, M. (2010). Differences between politically-connected and non-connected firms: A cross country analysis. *Financial Management*, 39 (3): 905-928.
47. Faccio, M., Masulis, R. W., & J. J., McConnell. (2006). Political Connections and Corporate Bailouts. *Journal of Finance*, 61, 2597-2635.
48. Fan, J. P. H., & T. J., Wong. (2005). Do external auditors perform a corporate governance role in emerging markets? Evidence from East Asia. *Journal of Accounting Research*, 43 (1): 35-72.
49. Fan, J. P. H., Wong, T. J., & T., Zhang. (2007). Politically-connected CEOs, corporate governance, and post-IPO performance of China's newly partially-privatized firms. *Journal of Financial Economics*, 84 (2): 330-357.
50. Ferguson, T., & H. J., Voth. (2008). Betting on Hitler: The value of political connections in Nazi Germany. *The Quarterly Journal of Economics*, 123 (1), 101-137.
51. Firth, M., Fung, P. M. Y., & O. M., Rui. (2008). Ownership, Governance Mechanisms and Agency Costs in China's Listed Firms. *Journal of Asset Management*, 9 (2): 90-101.
52. Fisman, R. (2001). Estimating the Value of Political Connections. *American Economic Review*, 91 (4): 1095-1102.
53. Fleming, G., Heaney, R. & R., McCosker. (2005). Agency Costs and Ownership Structure in Australia, *Pacific-Basin Finance Journal*, 13 (1): 29-52.
54. Florackis, C. (2008). Agency costs and corporate governance mechanisms: Evidence for UK firms. *International Journal of Managerial Finance*, 4 (1): 37-59.
55. Guedhami, O., Pittman, J. A., & W., Saffar. (2014). Auditor Choice in Politically Connected Firms. *Journal of Accounting Research*, 52 (1): 107-162.
56. Gul, F.A. (۲۰۰۶). Auditors' Response to Political Connections and Cronyism in Malaysia. *Journal of Accounting Research*, ۴۴ (۵): ۹۳۱-۹۶۳.
57. Habib, A., Muhammadi, A.H., & H., Jiang. (2017). Political Connections and Related Party Transactions: Evidence from Indonesia. *The International Journal of Accounting*, 52 (1): 45-63.

- Journal of Banking & Finance*, 27(5): 793-816.
77. Skinner, D.J., & S., Srinivasan. (2012). Audit quality and auditor reputation: Evidence from Japan. *The Accounting Review*, 87 (5): 1737-1765.
78. Srinidhi, B., Zhang, H., & T., Zhang. (2012). Non-State-Controlled Firms and Auditor Choice under State Capitalism: Evidence from China. *Working Paper*, <https://ssrn.com>
79. Utamaningsi, L. (2019). Political Connection, Auditor Selection, Audit Fee & Audit Report Lag: A Review in Indonesia. *International Journal of Progressive Science & Technologies*, 13 (2): 167-173.
80. Wallace, W.A. (2004). The Economic Role of the Audit in Free and Regulated Markets: A Look Back and a Look Forward. *Research in Accounting Regulation*, 17: 267-298.
81. Wang, F., Xu, L., Zhang, J., & W., Shu. (2018). Political connections, internal control and firm value: Evidence from China's anti-corruption campaign. *Journal of Business Research*, 86 (C): 53-67.
82. Watts, R.L., & J.L., Zimmerman. (1983). Agency problems, auditing, and the theory of the firm: some evidence. *Journal of Law and Economics*, 26 (3): 613-633.
83. Weber, J., Willenborg, M., & J., Zhang. (2008). Does auditor reputation matter?, The case of KPMG Germany and ComROAD AG. *Journal of Accounting Research*, 46(4): 941-972.
67. Mayhew, B.W., Schatzberg, J.W., & G.R., Sevcik. (2001), The effect of accounting uncertainty and auditor reputation on auditor objectivity, *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 20 (2): 49-70.
68. McKnight, P.J. & C., Weir. (2009). Agency costs, corporate governance mechanisms and ownership structure in large UK publicly quoted companies: A panel data analysis. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 49 (2): 139-158.
69. Niessen, A., & S., Ruenzi. (2010). Political connectedness and firm performance: Evidence from Germany. *German Economic Review*, 11 (4), 441-464.
70. Owusu, A., & C., Weir. (2018). Agency costs, ownership structure and corporate governance mechanisms in Ghana. *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation*, 14 (1): 63-84.
71. Persakis, A., & G.E., Iatridis. (2016). Audit quality, investor protection and earnings management during the financial crisis of 2008: An international perspective. *Journal of International Financial Markets, Institutions and Money*, 41 (C): 73-101.
72. Rosenstein, S., & J.C., Wyatt. (1990). Outside directors, board independence & shareholder wealth. *Journal of Financial Economics*, 26 (2): 175-91.
73. Rusmin, R., Astami, E.W., & B., Hartadi. (2014), The impact of surplus free cash flow and audit quality on earnings management, *Asian Review of Accounting*, 22 (3): 217-232.
74. Shu, S.Z. (2000). Auditor resignations: Clientele effects and legal liability. *Journal of Accounting and Economics*, 29 (2): 173-205.
75. Simunic, D.A. (1984). Auditing, consulting & auditor independence. *Journal of Accounting Research*, 22 (4): 679-702.
76. Singh, M., & W.N., Davidson. (2003). Agency costs, ownership structure and corporate governance mechanisms.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی